آقای ابطحی، شما متاسفانه از فرودستان فرهنگی بوده‌اید

حجت‌الاسلام محمد ابطحی معاون پارلمانی رئیس جمهور در مصاحبه مطبوعاتی با یک سایت اینترنتی در رابطه، با حقوق اجتماعی زنان می‌گوید:

«... یکی از اشکالات ما این است که اینجا را با یک کشور خیلی پیشرفته مقایسه می‌کنیم و بعد کمبودهایمان را می‌بینیم. در حالی که ما باید خودمان را با کشورهایی که وضعیتشان مثل ماست مقایسه کنیم... در مقایسه با کشورهای همسایه می‌بینیم که خیلی جلوتریم.

قدرت جامعه زن در اداره جامعه یا حداقل در اداره خانواده در ایران، خیلی قدرت زیادی است... بیائید کمی از روی واقعیت صحبت کنیم. شما الگوی اصلاحات را در نظر بگیرید. از این الگو در فرانسه ۴۰۰ سال گذشته تا به یک نقطه رسیده است. ما این ۴۰۰ سال را می‌خواهیم حذف کنیم و یک مرتبه در ایران آن را عملی کنیم. نمی‌شود...».

این مسئله که گویا در مورد حقوق زنان ما باید خود را با کشورهای همسایه مقایسه کنیم نه با کشورهای پیشرفته – به نظر می‌رسد که یا یک دستورالعمل دولتی است که به دولتمردان ابلاغ شده است یا این که در یک کلاس مشترک آن را فرا گرفته‌اند. همین چندی پیش بود که آقای خرازی وزیر امور خارجه در پارلمان اروپا هم وقتی در مقابل سئوالات نمایندگان قرار گرفت گفت که در بعضی از کشورهای همسایه زنان حق رانندگی ندارند ولی در کشور ما این حق را دارند و می‌خواست که ایران را با این کشورها مقایسه کنند. اولا چیزی که این آقایان از درک آن عاجزند و یا ترجیح می‌دهند که آن را نفهمند این است که حقوق بشر را نمی‌شود مختص یک سری کشورها دانست و کشورهای دیگر را گذاشت تا ۴۰۰ سال دیگر به آن برسند. نمی‌شود گفت که زنی که در ایران و در این نقطه جغرافیایی زندگی می‌کند، حق آن را ندارد که اگر با کسی ازدواج کرد هیچگاه حق تجدید نظر و فسخ تصمیم خود و حق طلاق نداشته باشد و تا آخر او را تحمل کند و حق مسافرت و حق نگهداری فرزندان خود را نداشته باشد. ولی زنی که در نقطه دیگر جغرافیایی‌ست این امور از حقوق مسلم اوست. و در ثانی هر کشور از قشرهای معینی تشکیل شده که بخصوص در کشور ما سطح رشد فرهنگی ناهمگنی وجود داشته و دارد و معمولا سطح رشد کشور را سطح رشد میانگین آن باید دانست. با کمال تاسف باید گفت که آقای ابطحی شما و یاران شما که بعد از انقلاب روی کار آمده‌اید، از نظر فرهنگی از فرودستان این کشور بوده‌اید. انقلاب آنگونه که در توضیح آن می‌گویند نه باعث برآمد فرودستان اقتصادی بلکه برآمد فرودستان فرهنگی بوده است. برای شما حتی تحصیل زنان از تابوها بوده است. شما اکنون کشور را نه با کشورهای همسایه بلکه با تفکرات قبلی خود می‌سنجیدند و حق دارید که وضعیت زنان در کشور را دستاورد بدانید زیرا که بسیار از تفکرات شما نیز جلوتر است. شما علیرغم تلاش‌هایتان که با تمام قوا سعی کرده‌اید، زنان را به آنچه که به آن معتقدید و آن گونه‌که خود می‌پسندید، وادارید، موفق نشده‌و زنان در واقعیت جامعه نقشی فرای تصورات شما دارند، و شما با موانع قانونی، باز آفرینی سنت‌های عقب‌مانده و با زور سرنیزه مانع تحول زنان می‌شوید. زیرا که نتوانستید متناسب با وضعیت، از نظر فرهنگی متحول شوید. البته اشکال از شما نیست اشکال را باید در آنجا جستجو کرد که کسانی، نه فرهیختگان جامعه که فرودستان فرهنگی در کشور اختیار امور را در دست دارند.

نامه سرگشاده مهندس عزت‌الله سحابی به سران سه قوه

بسمه تعالی

حضور روسای محترم سه قوه

جنابان آقایان کروبی، خاتمی و هاشمی شاهرودی

سلام علیکم:

استحضار دارید که اینجانب، طی سالهای اخیر، بارها به بهانه‌های مختلف و بر اساس پرونده‌های تشکیل‌شده در محاکم مختلف قضائی، بازداشت، بازجوئی، حبس و پس از چندی آزاد شده‌ام.

آخرین بار در آذرماه سال ۱۳۷۹ بازداشت و پس از یک هفته اقامت در زندان عمومی اوین به زندان انفرادی زیرزمین اوین، در بندی که مخصوص آدم‌کشان روانی بسیار خطرناک بود، منتقل شدم و پس از سه هفته اقامت در شرایط بسیار سخت و خشن آنجا به بازداشتگاه شماره ۵۹ که خود آقایان بازجویان آن را تاریکخانه اشباح می‌نامیدند انتقال یافتم. در تمام این مدت، به جز یک هفته اول زندان عمومی، تحت بازجوئی‌های مستمر که به کرات از بعد از ظهر تا صبح روز بعد ادامه می‌یافت، قرار گرفتم، با قاطعیت تمام عرض می‌کنم که این بازداشت و رفتارهائی که با من شد نسبت به دفعات قبلی بازداشت من حادثه جدید و غیرقابل تصوری بود. من در قبل از انقلاب از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۵۰ پنج بار به اتهاماتی بسیار سنگین‌تر از اتهام بازجوئی‌های سال ۷۹ بازداشت و تحت بازجوئی و تحقیق قرار گرفتم و بعد از انقلاب نیز یکبار توسط‌وزارت اطلاعات در سال ۶۹ و چند بار در دادگاه مطبوعات شعب ۱۴۰۸ و ۱۴۱۰ و نیز شعبه ۳ دادگاه انقلاب بخاطر شرکت در کنفرانس برلین تحت تعقیب و بازجوئی و تحقیق و اعلام اتهام قرار گرفتم، اما آنچه در این مرتبه بر من گذشت از نظر کیفیت رفتار، و اتهامات غیرقابل تصور و اهانت‌ها و نگردهای روان‌گردانه هرگز با آن دفعات قابل قیاس نبود. نتیجه آن شد که نه فقط در این مدت، دو بار دچار بحران قلبی و شوکهای عصبی شدم که کار به سی سی یو و... کشید. مغز و اعصاب من بکلی کارکرد و حالت طبیعی خود را از دست داد، بطوریکه پس از آزادی ناکنون که نزدیک به یکسال است تحت درمان عصبی و بیماری افسردگی هستم. بالاخره در دادگاه شعبه ۲۶ به محاکمه کشیده شدم و با کیفرخواستی مواجه گردیدم که در آن طی ۱۱ فقره اتهام بی‌بنیان و بی‌اساس و فاقد هرگونه مستند قانونی درخواست اشد مجازات هم شده بود. اتهامات بی‌اساسی که مجموع حداقل مجازات آنها ۱۲ سال و حداکثر آنها نیز اعدام بود. من از بابت زحمات و مبارزاتی که در طی ۲۵ سال حکومت کودتائی ۲۸ مرداد کرده و ۱۲ سال زندانی که کشیده‌ام از احدی انتظار پاداش و حتی قدردانی ندارم و از بابت فعالیت‌های بعد از انقلاب نیز انتظار تقدیری ندارم ولی نوشته‌های بنده شاهد صادقی است براینکه تا این تاریخ جز از سر دلسوزی و احساس مسئولیت دینی و وطنی برای اصلاح و اقتدار واقعی و بقاء کشور نبوده است. ادعای محکومیت و مجازات بین ۱۲ سال و اعدام، برای فردی چون اینجانب هرگز با موازین عدل و انصاف انطباق ندارد. ولی با این حال پس از ۹ جلسه مدافعات و پاسخ‌دادن به کیفرخواست که تنها بر اقاریر متهم متکی بود، اقاریری که در شرایط حصر بسیار شدید و آنچنانی اخذ شده بودند در هنگام بازجوئی‌های ۱۲ ماهه و ۲۰۰۰ صفحه‌ای بنده آرزوی اعدام را داشتم. و لذا به باز جریان گفتم هر چه می‌خواهید بنویسید و من هم می‌نویسم و امضاء می‌کنم تا مگر با اعدامم از شرایط بازجوئی بی‌نظیر در تاریخ پنجاه ساله اخیر رها شوم. به هر حال پس از ختم دادرسی، با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی که خود بسیار بی‌نظیر و بی‌سابقه بود آزاد شدم و اکنون در انتظار صدور رای دادگاه می‌باشم. و معنای حقوقی و قضائی این وثیقه سنگین و آن آزادی این است که فعلا در زندان و تحت تحقیق و بازجوئی نمی‌باشم و پرونده من و دوستان من (ملی ـ مذهبی‌ها) تا دادگاه تجدیدنظر بسته است و از فشارها و رفتارهای ناهنجار، حداقل برای مدتی رهائی داریم.

ولی علیرغم این سوابق و حقایق حقوقی، از تاریخ آزادی از زندان (۸۰/۱۲/۱۱) همان تیم بازجوئی با مراجعات مکرر به محل کار من تا صبح روز بعد ادامه می‌یافت، قرار گرفتم، با قاطعیت تمام عرض می‌کنم که این بازداشت و رفتارهائی که با من شد نسبت به دفعات قبلی بازداشت من حادثه جدید و غیرقابل تصوری بود. من در قبل از انقلاب از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۵۰ پنج بار به اتهاماتی بسیار سنگین‌تر از اتهام بازجوئی‌های سال ۷۹ بازداشت و تحت بازجوئی و تحقیق قرار گرفتم و بعد از انقلاب نیز یکبار توسط‌وزارت اطلاعات در سال ۶۹ و چند بار در دادگاه مطبوعات شعب ۱۴۰۸ و ۱۴۱۰ و نیز شعبه ۳ دادگاه انقلاب بخاطر شرکت در کنفرانس برلین تحت تعقیب و بازجوئی و تحقیق و اعلام اتهام قرار گرفتم، اما آنچه در این مرتبه بر من گذشت از نظر کیفیت رفتار، و اتهامات غیرقابل تصور و اهانت‌ها و نگردهای روان‌گردانه هرگز با آن دفعات قابل قیاس نبود. نتیجه آن شد که نه فقط در این مدت، دو بار دچار بحران قلبی و شوکهای عصبی شدم که کار به سی سی یو و... کشید. مغز و اعصاب من بکلی کارکرد و حالت طبیعی خود را از دست داد، بطوریکه پس از آزادی تاکنون که نزدیک به یکسال است تحت درمان عصبی و بیماری افسردگی هستم. بالاخره در دادگاه شعبه ۲۶ به محاکمه کشیده شدم و با کیفرخواستی مواجه گردیدم که در آن طی ۱۱ فقره اتهام بی‌بنیان و بی‌اساس و فاقد هرگونه مستند قانونی درخواست اشد مجازات هم شده بود. اتهامات بی‌اساسی که مجموع حداقل مجازات آنها ۱۲ سال و حداکثر آنها نیز اعدام بود. من از بابت زحمات و مبارزاتی که در طی ۲۵ سال حکومت کودتائی ۲۸ مرداد کرده و ۱۲ سال زندانی که کشیده‌ام از احدی انتظار پاداش و حتی قدردانی ندارم و از بابت فعالیت‌های بعد از انقلاب نیز انتظار تقدیری ندارم ولی نوشته‌های بنده شاهد صادقی است براینکه تا این تاریخ جز از سر دلسوزی و احساس مسئولیت دینی و وطنی برای اصلاح و اقتدار واقعی و بقاء کشور نبوده است. ادعای محکومیت و مجازات بین ۱۲ سال و اعدام، برای فردی چون اینجانب هرگز با موازین عدل و انصاف انطباق ندارد. ولی با این حال پس از ۹ جلسه مدافعات و پاسخ‌دادن به کیفرخواست که تنها بر اقاریر متهم متکی شود پس از آن، در موقع (تفهیم اتهام) می‌توانم با وکیل حضور به هم رسانم. عمده اتهام ایشان غیر از مشارکت در اتهامات ملی نظرسنجی و آینده، از حضور سیاسی و اعلام نظرات و دیدگاههای خودم در باره مسائل جاری کشور و حتی حضور در حسینیه ارشاد و دو جلسه پرسش و پاسخ در شبهای احیاء ماه مبارک رمضان (۱۹ و ۲۳ رمضان) با جوانان و دانشجویان پیرامون دین، مذهب‌گریزی جوانان و راه‌های چاره آن، آقایان به شدت اظهار ناراحتی و اعلام اتهام می‌نمودند و بطور کلی هرگونه حضور در صحنه اجتماعی را بر اینجانب ممنوع مگر تحت نظارت و کنترل خودشان اعلام می‌کردند.

این برخوردها و پنهان‌کاری‌ها بر بنده این حقیقت را روشن نمود که آقایان، سرخود و بدون موافقت دادگاه انقلاب شعبه ۲۶ یا هر شعبه رسمی دیگر و قاضی تحقیق دیگر، اقدام به احضار بنده نموده‌اند (در حالی که من کوچکترین تماس یا آشنائی با این دو موسسه نداشتم) تا مگر از خلال بازجوئی‌های غیرقانونی از بنده چیزی علیه متهمان پرونده ملی نظرسنجی و آینده درآورند و آنها را به اطلاع آنها برسانند و بدین ترتیب، خصومت و دشمنی بین آنها و وابستگان به جبهه دوم خرداد، از یک سوی و اینجانب از سوی دیگر ایجاد و به آن دامن بزنند. اهدافی که با وظیفه قانونی و قضائی انطباق ندارد و با هر اصل اخلاقی و مذهبی نیز مغایرت دارد. به این جهت قصد عدم حضور در جلسه آینده‌ای که اعلام کرده بودند نمودم و برای اطلاع به ایشان در همان روز سه‌شنبه مورخه ۸۱/۱۰/۲۴، در حوالی ساعت مقرر، به مجتمع مزبور تلفن کرده و خواستار ارتباط به اطاق ۳۴ شدم تا به خود آقایان اطلاع دهم. ولی با کمال تعجب، خانم تلفنچی به من چنین پاسخ دادند که ما اطاق ۳۴ نداریم و شما می‌بایست یا شماره شعبه دادگاه یا دفتر معینی را بگوئید تا بتوانیم ارتباط‌برقرار کنیم. بدین ترتیب بر من روشن شد که پنهان‌کاری آقایان حتی نسبت به مجتمع شهید محلاتی و مسئولین و مقامات آن نیز جاری شده است!

اکنون، اینجانب چاره‌ای قانونی ندارم جز اینکه به شما آقایان محترم‌که مسئولین اصلی و تصمیم‌گیری نسبت به همه امور کشور و دولت می‌باشید مراجعه و شکایت بیاورم، که بخاطر مسئولیت‌های قانونی و شرعی خودتان، دستور فرمائید که از این فشارها و تعقیب‌های غیرقانونی بنده را رها سازند. به موجب آیه مبارکه (رب‌السجن احب‌الی مما یدعوننی..) بنده آماده رفتن به زندان هم هرکجا و هر مدت می‌باشم ولیکن چون قطع دارم که در زندان هم آقایان دست از سر من برنخواهند داشت طالب مرگ و اعدام می‌باشم. بنابراین خواهشم این است که اگر مرا فردی مضر به حال کشور و ملت و اسلام و انقلاب می‌دانید، با اعدام من خود و کشور را از شر بنده رها کنید. بالاخره دنیائی دیگر و حسابرسی دیگری در پیش است و ما همگی در مقابل و در حضور پروردگار عظیم باید پاسخگوی نهائی باشیم و اگر چنین نیست، اقدامی موثر در استخلاص این شهروند مملکت بفرمائید.

با تشکر و احترام عزت‌الله سحابی

درخواست جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

از افراد و کانونهای صنفی، اجتماعی و فرهنگی

و سازمانهای سیاسی و تشکیلات حقوق بشری

به راستای فعالیت‌های حقوق بشری – در زمینه ملزم‌نمودن حاکمان جمهوری‌اسلامی در احترام به حقوق بشر و جانب موافقتنامه‌ها، قرارداده‌ها و میثاق‌های (کنوانسیون) سازمان ملل متحد را نگهداشتن، نمایندگانی از لندن، پاریس و بروکسل در اواخر ماه فوریه و اوایل ماه مارس به ایران سفر خواهند کرد تا به بررسی وضع حقوق بشر در جمهوری‌اسلامی بپردازند و گزارشات خود را به کمیسیون حقوق‌بشر سازمان ملل‌ارائه نمایند. (در ۲۲ آوریل سال ۲۰۰۲ قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد اولین بار بعد از ۳۳ سال رد شد).

جامعه دفاع‌از حقوق بشر درایران، از همه افراد، کانونهای صنفی، اجتماعی، فرهنگی و سازمانهای سیاسی و تشکیلات حقوق‌بشری درخواست می‌نماید تا قبل از سفر این هیات به ایران با آنها مستقیما تماس بگیرند و اسناد و مدارک و گزارشات مستند خود را – در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران – در اختیارشان بگذارند.

اگر مدارک و گزارشات مستند به فارسی است، این اسناد جهت ترجمه می‌تواند در اختیار جامعه دفاع از حقوق‌بشر در ایران قرار گیرد، تا جامعه آنها را مستقیما به‌کمیسیون حقوق‌بشر سازمان ملل بسپارد.

بدیهی است آن چه می‌تواند – در کنار سایر مسایل – به روند بررسی این هیات‌کمک باشد:

۱ – نام و نام خانوادگی زندانیان سیاسی است،

۲ – تاریخ دستگیری، محل نگاهداری زندانی، نحوه برخورد زندانیان و بازجویان با زندانی – در صورت‌امکان عکس دستگیرشدگان،

۳ – وابستگی سازمانی، گرایش فکری و یا دلایل دستگیری زندانی،

۴ – آدرس محل بازداشتگاه‌که ارگانهای امنیتی و گروههای فشار بعنوان زندان از آنجا استفاده می‌کنند،

۵ – تاریخ شروع دادگاه، و نوع دادگاه، و مدت محکومیت زندانی و

۶ – در صورت شکنجه برای گرفتن اقرار از متهم در زمان بازجویی و یا در زندان (نوع شکنجه).

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، امیدوار است – با ارائه اسناد و مدارکی راکه در دست دارد – بتواند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را قانع سازد، که وضع حقوق بشر و سرکوب واعضاء خشونت چنان که بود ادامه دارد و دگراندیش در این جامعه اسلامی هیچگونه امنیت ندارد.

محمود رفیع دبیر جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

آدرسهای هیات‌برای‌گرفتن تماس:

۱ –کمیته پارلمان‌انگلیس روز سه شنبه ۱۱ فوریه ۲۰۰۳ ساعت ۱۵ (سه بعد از ظهر) در اطاق شماره ۱۵ برای شنیدن گزارشات و دریافت اسناد و مدارک جلسه‌ای خواهد داشت:

Committee Office
House of Commons Committe Room 15
London SWIA OAA - GREAT Britain
Tel:(020) 72192033
Fax:(020) 72193267/4300

۲ – آقای لویی ژوانه، مقیم پاریس ولی آدرس پستی در ژنو:

Office of the High Commissioner for Homan Rights
Working Group on Arbitrary Detention
Mr. Louis Joinet, Chairman - Rappoteur
8 - 14 Avenue de la Paix
1211 Geneva 10, Switzerland
Tel: (41 - 22) 917 - 900

۳ –کمیسیون اتحادیه اروپا:

Europasche Union
Hauptquartier: c /o EU - Kommision, Rue de la Loi 200 - B - 1049 Brissel
Tel: (0032) 2 - 2991111
Fax: (0032) 2 - 2950138

– آدرس دفتر جامعه دفاع‌از حقوق بشر درایران:

Liga / Iran
P. O. Box 150825 - D - 10670 Berlin
Tel: 030 8258552
Fax: 030 8266286
E - Mail: Liga-Iran@gmx.de

آیت‌الله کورانی استاد رشته امام‌زمان‌شناسی حوزه علمیه قم:

امام زمان را یک زن ایرانی شهید خواهد کرد

آیت‌الله کورانی، از استادان حوزه علمیه قم و کارشناس رشته امام زمان، برای رفع شبهه کسانی که روایات مربوط به حضرت (عج) و ظهور وی را زیر سئوال می‌برند، با نشریه بالشارات از انتشارات انصار حزب‌الله در ایران‌گفتگو کرده و پاسخ این شبهات را داده است.

او در پاسخ این سئوالات که آیا امام زمان از دواج کرده و فرزندانی دارد؟ گفته است: روایاتی داریم که حضرت (عج) زن و بچه دارد و گفته می‌شود در جزیره خضرا زندگی می‌کند. البته پایگاه وی مدینه است اما احتمال دارد خانواده‌اش را به جاهای دیگر برده باشد. آیت‌الله کورانی نشانی خضرا را نداد.

از آیت‌الله کورانی سئوال شد، شغل امام زمان در دوران غیبت چیست و اصولا حضرت شبانه‌روز را به چه کاری مشغول است؟ او جواب داد: او کارهای بزرگی انجام داده است و بسیار فعال می‌باشد و کارهای او شبیه کارهای حضرت خضر است. سئوال دیگر از آیت‌الله کورانی این است که چگونه می‌شود عمر طولانی امام زمان را قبول‌کرد چون قرار است وی در چهل سالگی شهید گردد؟

توضیح داده‌که: الان مسئله عمر و ژن حل شده است. امروز به وسیله ژن راه‌های طولانی‌شدن عمر و شیوه‌هایی را که می‌تواند وضع انسان و جوانی انسان را حفظ کند بررسی می‌کنند از نظر علمی این مساله ممکن و قابل تحقق است. خداوند این معجزه را در مورد حضرت (عج) انجام داده، به علاوه، خداوند به دجال که دشمن اوست عمر طولانی داده. پس چگونه است طول عمر برای دشمن خدا باشد ولی برای ولی‌الله نباشد.

امام زمان یارانی دارد که وزرای او هستند. آن‌ها ۱۱۳ نفرند و از کبار اولیاالله هستند. یاران امام زمان بعدا حکام جهان خواهند شد. وی تاکید کرده که امام زمان در هنگام ظهور با آلات و ادوات جنگی پیشرفته به جنگ مشرکان نمی‌رود بلکه با همان سلاح‌های عهد خود کفار و خلافکاران را تنبیه خواهد کرد.

از استاد امام‌زمان‌شناسی سئوال شد، آیا ممکن است در حال حاضر امام زمان گرفتار سیل و زلزله شود یا به علت سرماخوردگی مریض شود و اگر بگوید این طور نیست پس این دعاهای که برای سلامت امام زمان توصیه شده‌بد چه درد می‌خورد.

او پاسخ داده، باید بدانیم که قطعا خداوند آقا را حفظ می‌کند تا بتواند به هدفش برسد و ما چه ایشان را دعا بکنیم یا نکنیم جان او محفوظ است. دعا برای حضرت (عج) فایده‌ای ندارد.

سئوال دیگر از آیت‌الله کورانی این است که آیا درست است که امام زمان را خمینی در ایران به شهادت خواهد رساند؟

من هم در لبنان و نجف شنیدم یک خانم ایرانی امام زمان را شهید خواهد کرد.

سئوال دیگر از متخصص امام زمان این است که گویا اگر کسی چهل شبانه روز دعای امام زمان رابخواند در زمان ظهور حضرت زنده می‌شود. بله همینطور است.